

تقرير دفتر استاد سيد كاظم مصطفى «زيد عزه العالي» از درس خارج فقه
استاد سيد كاظم مصطفى؛ 1390/03/03



مسئله اي که متعلق بود به مطهریت دباغت کامل شد

عدم طهارت هیچ میته ای جز میت مسلمان

در انتهای آن مسئله سید می فرماید و لا یقبل الطهارة شی من المیتات سوی میت المسلم فانه یطهر بالغسل هیچ میتی قابلیت تطهیر ندارد مگر میت مسلمان که به واسطه غسل پاک می شود.

اجماع و نص در این خصوص

این حکم مضافاً بر اینکه اجماعی است نصوص فروانی هم در این رابطه وجود دارد صحیحه ابراهیم بن میمون

که یک روایت را از باب نمونه ذکر می کنیم وسائل جلد 2 باب 34 از ابواب نجاسات حدیث 1 صحیحه ابراهیم بن میمون که ابراهیم بن میمون توثیق خاص دارد حدیث صحیحه است **سالت ابا عبد الله عن رجل یقع ثوبه علی جسد المیت قال ان کان غسل المیت فلا تغسل و ان کان ما اصاب ثوبک منه و ان کان لم یغسل فاغسل ما اصاب ثوبک منه** روایت دلالتش واضح است پس از که میت غسل داده شود اگر بدنش لمس بشود با رطوبت نجاستی در کار نیست مسئله اجماعی و اتفاقی است یعنی مورد اتفاق فقهاست مسئله بعدی

طهارت سقط از رحم قبل از ولوج روح و فرخ قبل از تبدیل به جوجه

مسئله نهم السقط قبل ولوج الروح نجس و کذا الفرخ فی البیض ساقط شده از رحم و سقط اگر قبل از ولوج روح باشد نجس است و همین طور فردی که داخل تخم مرغ است حکم همین سقطی را دارد که در رحم انسان است جوجه در داخل تخم مرغ که جوجه نشده فرق می کند این نجس است بلا. اشکال اصل حکم اجماعی است اما اختلافی و بحثی که فقها دارند یک دفع توهمی هم داشته باشیم ممکن است شما بگویید مسئله محل ابتلا نیست چه سودی دارد بحث کنیم جوابش را گفتیم قواعد دارد مبانی دارد مشابه اش را علم روز برای ما الان عملی در جریانات خودشان دارند بنابراین آن جنینی که هنوز روح در آن

دمیده نشده است قبل از چهار ماه اگر ساقط می شود نجس است یک معجزه روایی از طبیب حاذقی شنیدیم که گفت آن چهار ماهی را که روایت تعیین کرده کاملاً درست است که چهار ماه که بشود جنین به طور معمول زنده می شود این از معجزات روایی است که از پزشک حاذق و متخصص و استاد دانشگاه است و قبل از چهار ماه که ولوج روح نشده نجس است دلیل بر نجاست چیست

نظر صاحب جواهر در این باره

مرحوم صاحب جواهر کتاب جواهر جلد 5 صفحه 345 می فرماید که این قطعه مبانه است چطوری می گوئیم در قطعات مبانه از حیوان قطعه ای جزئی از اجزای حیوان اگر جدا شود به آن می گوئیم قطعه مبانه مبانه یعنی بینونتی حاصل شود جدایی قطعه مبانه را که گفتیم محکوم به نجاست است و میته است در نص صریح آمده بود در باب هباله صید و الیات غنم خواندیم که دم و گوش و بعضی از جاهای دیگر حیوان را می برند دامداران بعد به دلائلی آن قسمتی که الیات غنم است که جدا می شود میته است این هم قطعه مبانه است و همان حکم میته را دارد و نجس است صاحب این فرمایش را دارد

نظر مرحوم خویی در این باره

اما سید الاستاد می فرماید کتاب تنقیح جلد 2 صفحه 459 می فرماید این مطلب یا این دلیل اشکالاتی دارد 1. قطعه مبانه نیست بلکه در شکل بیضه در رحم مرغ چه گفتیم بیضه در رحم مرغ یک موجود مستقل است ظرف رحم است ظرف و مظروف دو تا موجود است موجود به عنوان مظروف در داخل یک ظرف حکم ظرف را ندارد خودش موجود مستقلی است این جنین هم در رحم مثل بیضه در تخم دان مرغ ظرف جداست مظروف جداست دو موجود مستقل است این یک اشکال پس حکم جزءمبانه را ندارد جز متصل نبوده تا مبان بشود مربوط نبوده است تا قطع بشود اما اشکال دوم فرض کنیم جزءهست اما جزئی هست که ما لا تحله الحیاه است حیا به آن دمیده نشده و ما گفتیم و به نتیجه رسیدیم که اجزایی که ما لا تحله الحیاه هست محکوم به نجاست نیستند این دو تا اشکال اشکال سوم می فرماید فرض کردیم از این دو تا اشکال تنزل کنیم اشکال سوم این است که نصوصی که درباره نجاست اجزا مبانه آمده است درباره هباله صید بود الیات غنم بود موارد خاصی بود تطبیق موردی اطلاق ندارد حکم اختصاص به همان مورد خودش دارد الیات غنم حکمش این است این که اطلاق نمی شود موضوع با حکم با هم ارتباط مستقیم دارد

مورد مخصص نیست مگر موضوع حکم باشد

یک سوال را جواب بدهیم سوال این است که گفته بودیم مورد مخصص نمی شود این جا چرا مورد نیست موضوع حکم است فرق است بین اینکه مورد باشد یا موضوع حکم باشد موضوع حکم می گوئیم نقش موضوعی دارد حکم را اختصاص می دهد به خودش این نکته لطیف را از یاد نبرید بنابراین آن روایات اطلاق ندارند با این اشکالاتی که گفتیم اگر ما بودیم و دلیل اول که نجاست جنین قبل از ولوج روح را به واسطه قطعیه مبانه از حیوان ثابت کنیم به اثبات نمی رسد

نظر محقق همدانی و اعمال قاعده (زکاه الجنین زکاه امه)

مرحوم فقیه همدانی در کتاب مصباح الفقیه صفحه 538 می فرماید که بر اساس قاعده این جنین نجس است یک قانون فقهی داریم در آن کتاب قواعد که زکاه الجنین زکاه امه می

گوید اگر جنین در رحم مادرش گوسفندی باشد و آن گوسفند را ذبح بکنیم جنینش هم ذکی و تذکیه شده به حساب می آید زکاتش همان تذکیه همان تذکیه مادرش هست خوب این درست است اما فرض ما این است که این جنین ساقط شده موضوع حکم این است این دیگر مادرش تذکیه نشده بنابراین جنینی که تذکیه برایش واقع نشده محکوم به نجاست است سید الاستاد می فرماید که عجیب است از شیخ فقیه مثل فقیه همدانی آن قاعده درباره جنینی آمده که نزج گرفته و بعد زنده شده قابل اکل است گوشت دارد استفاده می شود بحث ما اینجا نطفه ای است که علقه شده و نزج گرفته و قبل از ولوج روح است محور بحث ما ساقط شده قبل از ولوج روح است اینجا اصلاً جنین صدق نمی کند صدق جنین نمی کند بین دو تا مسئله اختلاف موضوعی زمین تا آسمان این اشکالات به جایی نرسید دلیل دوم را بگوییم تا کامل بشود دلیل دوم برای نجاست آمده است که عبارت است از تحقق عنوان میت این جنین به اصطلاح اعم که از حیوان ساقط می شود قبل ولوج روح میت است چون صدق میت مشروط به سبق حیا نیست که علامه حلی در منتهی می فرماید که میت آن است که مسبوق به حیا باشد نه ما مثلاً می گوییم اراضی موات لازم است نیست که سابقه عمران داشته باشد این دلیل نمی تواند باشد برای اینکه حیا اراضی و حیا حیوانات فرق دارند اشتراک اسمی است اشتراک در معنا نیست حیاتی در حیوانات بگوییم به معنای دیگری است بعد ایشان می فرماید جواب این دلیل را داده اند بر اینکه نصوصی که آمده است که میت را برای ما معرفی می کنند آن نصوص به طور کل میت ها و امواتی را میت اعلام می کنند که سابقه حیا داشته باشند بنابراین طبق نص منظور از میت و میت آن موجودی است که سابقه حیات داشته باشد اما پس از این اقامه دلیل و این اشکال اشکال مرحوم آقای خویی به این نظر

سید الاستاد در صفحه 460 آخرین حرف را می فرماید و دلیل اصلی هم همین است و ظنی آنه احسن الوجوه می فرماید ما حکم نجاست را نسبت این مورد یعنی جنین ساقط شده از اطلاق جیفه به دست می آوریم یادتان هست صحیحه حریر از امام صادق وسائل جلد 1 ابواب ما مطلق باب 3 حدیث 1 از امام صادق آمده است که **كلما غلب الماء علي ریح الجیفه فتوضو من الماء و اشرب فان تغیر الریح و تغیر الطعم فلا تتوضو منه و لا تشرب** ببینید کلمه جیفه در اینجا اطلاق دارد جیفه یعنی مرده از حیوان که نعم بشود بو و ریح ازار دهنده ای داشته باشد این اگر رنگ و بویش غلبه کند یعنی موجود پیدا بکند نجس است این اطلاق جیفه شامل حال همین جنین ساقط شده هم می شود صدق جیفه بلا اشکال اینجا محقق است و حدیث سند درست دلالت کامل از اطلاق جیفه حکم را به دست می آوریم آن جنینی که هنوز روح در آن ندمیده ساقط می شود جیفه است و نجس است مضافاً بر این سید می فرماید که حکم اجماعی است این بحث را که گفتیم حکم فرع داخل بیضه هم روشن شد نکته اخلاقی به مناسبت میلاد خجسته حضرت زهراء

مشکاه نور الله جل جلاله درباره حضرت صدیقه طاهره سلام الله تعالی علیها شنیده اید که مشکاه مثل نوره **الله نور السموات و الارض مثل نوره** کمکشاه کتاب نور الثقلین مرحوم حویزی از طریق روایات نقل می کند که منظور از مشکاه سید نساء العالمین است این را شنیده اید تکه دقیقش را گوش بدهید **الله نور السموات و الارض** اولین مطلب اصلی بعد می فرماید مثل نوره کمکشاه ما در اصطلاح در علم در شجاعت در تقوا فرد بارز را پیدا می

کنیم مثال می‌گوییم مثال علم مثلاً ما می‌گوییم مثل علم و تقوا امیرالمومنین این نکته را بگیرد علم و تقوا غریب است در دنیا علم به معنای واقعی فقه علم و تقوا غریب است چرا چون اسوه علم و تقوا غریب است مثال علم و تقوا غریب است بنابراین در هر چیزی ان مصداق بارز را می‌گوییم مثال در اصطلاح فارسی می‌گوییم مثال زدنی حالا نکته این است که برای نور خدا حضرت زهرا مثال زدنی است مثل نوره کمشکاه مثل و مثال بارز نور خدا حضرت زهرا سبحان الله تعالی مشکاه نور الله جل جلاله زیتونه عمن وراء برکاته بضعه احمدیه عذرا و فتاه انسیه حورا این نکته درباره فضیلت حضرت زهرا که مشکاه یعنی مثال زدنی ان هم از سوی خدا این یک نکته نکته دوم همین جهت تحلیلی و اصولی که می‌گوید انا اعطیناک الکوثر من عطا کردم یعنی یک عطای ویژه است حضرت زهرا یک عطای ویژه الهی است انا اعطیناک به این نکته توجه کنید بعد یک روایت را از حضرت زهرا بگویم و یک معجزه و تمام روایت از حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها می‌فرماید **الحمد لله الذي خلق النور من النور** نور یک روایت هم برای خودش می‌خواند هم برابر نعمت نور است الحمد لله الذي خلق النور من النور **الله نور السموات والارض مثل نوره کمشکاه** ببینید ارتباط تا کجاست نور حضرت زهرا از نور خداست روایت دیگر برای ما طلبه‌ها الحمد لله الذي لا ينسي من ذكره حضرت زهرا می‌فرماید عجب عنایتی است عجب مژده‌ای است **الحمد لله الذي لا ينسي من ذكره و لا يخيب من دعاه** برای ما یک بشارت و یک مژده‌ای داد که برای تا ابد امیدوار باشیم ما در یاد خداییم حضرت زهرا فرمود کسی که در یاد خدا باشد خدا ان را فراموش نمی‌کند وقتی خدا ما را فراموش نکرده به این معنا از نظر دور نداشته دیگر ناراحتی نداریم می‌دانید یاد خدا معنایش چیست یاد خدا طبق روایت در برابر حلال و حرام الهی موازین رعایت کنیم این یاد خداست طبق روایت از امام صادق و نا امید نمی‌کند کسی را که از خدا چیزی بخواهد حضرت زهرا می‌فرماید نا امید نمی‌کند و هدف ما را هم برای ما روشن می‌کند هدف ما چیست ما طلبه‌ها از بانو سرنوشت بگیریم اسوه بگیریم مولای امام زمان است که می‌فرماید حضرت زهرا برای ما اسوه است لی اسوه درباره حضرت زهرا برای اقا اسوه است برای ما که باید اسوه باشد اسوه اصلی هدف را نشان می‌دهد و **عظم شانک في نفسك و الهمني طاعتك و العمل بما يرضيك و التجنب لما يسخطك يا ارحم الراحمين** این خط سیر و خط مشی یک پیرو مولا است چندی پیش قبر اقای مرحوم اقای قزوینی را از نزدیک می‌شناسیم سید کاظم قزوینی مردی فاضلی بود و فضلش هم بیشتر در دفاع از اهل بیت بود خطیب و اطلاعات عمومی شاعر خطیب و کتابی درباره حضرت زهرا نوشت کتابی که دیگر حقیقتاً فلکی وقتی از دنیا رفت وصیت کرد جسدش را علامت بگذارید کتابی که درباره حضرت زهرا نوشته ام روی سینه ام بگذارید هفده سال پیش فوت شد روبروی مسجد ایت الله بهجت دفن کردند مسجد کوچک زینبیه در توسعه حرم جسدش را آوردند بیرون خودم بدون هیچ شک جسد سالم و سالم کتاب هم تر و تازه روی سینه اش کتاب درباره حضرت زهرا و بعدش نه روز اینجا گذاشتند تا مقدمات بردنش به نجف یا کربلا آماده بکنند گفتند سردخانه بگذاریم یک پسر متدین بود که این بانو با این کتابی که هفده سال حفظ کرده چند روز نگه می‌دارد سردخانه نگذاشتند سالم سالم بردند به خاک سپردند اگر ما کارمان را همین جلسه را که می‌ایم ثوابش را هدیه کنیم حداقل ثواب امروز هدیه به روح مقدس حضرت زهرا سلام الله علیها و بعد در ذکرهایمان هیجده بار صلوات اکبر با براءة اکبر اللهم صل علی

فاطمه و ابیها و بعلها و بنیها و السر المستودع فیها بعدد ما احاط به علمک برائت اکبر هم در
اخرش این را دارد بعدد ما احاط به علمک این هجده بار بگوئید بعد هم هفت بار یا فاطمه
اغیثینی شک هم نکن شکش ما گاهی که تخصصی صحبت می کنیم می گوییم شکش
منتهی به کفر می شود قطعاً شک در قدرت و توانش منتهی به کفر است